یادداشت روز

این آب به آسیاب داعش می‌ریزد!

اقدام احمد منتظری در انتشار فایل صوتی پدرش که به گونه‌ای یکسویه ضبط شـــده بود، نمی‌تواند با برخی دیگر از رخدادهای این روزها مخصوصاً با همایش منافقین در پاریس و حضور رئیس ســـابق اطلاعات و استخبارات آل‌سعود در آن همایش و ترغیب منافقین به از ســـرگیری عملیات تروریستی در ایران بی‌ارتباط باشد. اگر داعش را ساخته و پرداخته آمریکا بدانیم که هیلاری کلینتون در کتاب خاطرات خود با عنوان «انتخاب‌های دشوار- HARD CHOICES» با صراحت به آن اعتراف کرده است و آل‌سعود را تأمین کننده مالی و تدارکاتی و نیروی عملیاتی داعش بدانیم که همه اسناد موجود از آن حکایت می‌کند و چنانچه اسرائیل را حامی میدانی و آموزشی تروریست‌های داعش تلقی کنیم که نتانیاهو بی‌پرده به آن اعتراف کرده اســـت و برای نشان دادن این رابطه بی‌پرده، مداوای مجروحان داعش را در بیمارستان‌های تل‌آویو و حیفا برعهده گرفته و از ملاقات خود با آنان فیلم و عکس تهیه و منتشر کرده است و اگر دهها شاهد و نشانه دیگر نظیر همراهی اصحاب فتنه آمریکایی-اسرائیلی ۸۸ با این گروه تروریستی و... را که شرح آن در این نوشته کوتاه به درازا می‌کشد، کنار هم قرار دهیم، به این نتیجه قطعی می‌رسیم که اقدام احمد منتظری در همسویی با داعش صورت گرفته است هر چند با توجه به کینه عمیق این جماعت از حضرت امام(ره) بعید نیست که احمد منتظری به گونه‌ای ناخواسته و صرفاً با انگیزه کینه‌توزی علیه امام راحل(ره) به این همسویی دست زده باشد!

بعـــد از انتخاب منتظری به قائـــم مقامی رهبری در ســـال ۶۴ - که بعدها حضرت‌امام(ره) مخالفت خود با این انتخاب را اعلام کردند- تقریباً همه گروه‌ها و جریانات ضد انقلاب داخلی و خارجی و محافل سیاسی غربی و عبری و عربی در یک تغییر موضع ۱۸۰ درجه‌ای به تقدیر و تمجید از او روی آوردند و انتخاب وی را نقطه آغازی برای پایان عمر انقلاب اسلامی دانستند. احمد انوار، عضو فراری جبهه ملی که روابطش با MI6 انگلیس و دریافت وجوه قابل توجهی از صدام برملا شده است، اولین کسی بود که به نمایندگی از جریانات ضد انقلاب، این رویکرد جدید را کلید زد. او چند هفته بعد از انتخاب منتظری به قائم مقامی رهبری با انتشـــار مقاله‌ای در مجله «جبهه ملیّون ایران» نوشت « با انتخاب منتظری، رژیم اسلامی ایران خود را از بند ناف [امام] خمینی جدا می‌کند» انوار در این مقاله با اشـــاره به بی‌نتیجه بودن حملات مستقیم و تروریستی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، از همه مخالفان نظام و امام(ره) با هر سلیقه و رویکرد می‌خواهد فرصت بدست آمده را غنیمت بشمارند و مطمئن باشند منتظری همان شخصیت مطلوب آنان است که چنانچه به مقام رهبری ایران برسد، اساس و بنیان انقلاب و نظام اسلامی ایران را درهـــم خواهد پیچید. از آن هنگام به بعد بود که عواملی از جریانات ضدانقلاب و دشـــمنان تابلودار امام راحل(ره) با تغییر ظاهری تابلو، از کانال مهدی هاشمی به بیت منتظری نزدیک شده و در آنجا لانه کردند.

و اما، فقط نیم‌نگاهی به جنایات هولناک منافقین، نظیر به رگبار بســـتن یک خانواده بر سر سفره افطار و قتل‌عام همه اعضای خانواده، از جمله کودکان، شکنجه ۳ پاســـدار عضو کمیته انقلاب اسلامی، با ریختن آب‌جوش روی سر آنها و سپس جدا کردن پوست سر با تیغ سلمانی، حضور آشکار در ارتش بعثی عراق در دوران جنگ تحمیلی و قتل‌عام شیعیان عراق به دستور صدام و... به وضوح حاکی از آن است که منافقین در ارتکاب جنایت اگر دهها بار جنایتکارتر از داعش نباشند، به یقین دست کمی از آنان ندارند.

از ســـوی دیگر باند مهدی هاشمی نیز اینگونه بوده‌اند. به عنوان مثال وقتی عوامل مهدی هاشمی به دستور وی مرحوم حشمت را می‌ربایند و برای کشتن به یک باغ متروکه می‌برند، دو پســـر خردسال او را نیز که همراه پدر بودند به همان محل منتقل می‌کنند و ســـپس با مهدی هاشمی تماس می‌گیرند و درباره دو پسر مقتول کســـب‌تکلیف می‌کنند. مهدی هاشـــمی می‌گوید، حالا که شاهد ربایش پدرشـــان بوده‌اند می‌توانند بعدها دردسر درست کنند و دستور می‌دهد دو پسر خردسال مرحوم حشمت را هم به قتل برسانند. بعدها که مهدی هاشمی در کنار ســـایر جنایت‌های خود به این جنایت هم اعتراف می‌کند و این اعتراف از طریق تلویزیون پخش می‌شـــود، آقای منتظری با عصبانیت به یکی از مسئولان قضایی می‌گوید؛ چرا با پخش این اعترافات، آبروی! مهدی هاشمی را برده‌اید! و در مقابل ابراز تعجب مقام قضایی می‌گوید؛ حالا یک اتفاقی افتاده است! شما نباید با آبروی مهدی هاشمی بازی کنید! و این همه در حالی بود که مهدی هاشمی در اعترافاتش گفته بود؛ من می‌دانم که مجازات من اعدام اســـت، بنابراین آنچه می‌گویم عین واقعیت است که البته با توجه به وجود اسناد و شواهد جایی برای انکار هم نبود.

خب! حالا باید پرسید؛ که آیا همراهی باند باقیمانده مهدی هاشمی و منتظری با تروریست‌های تکفیری داعش می‌تواند تعجب‌آور باشد؟!

گفتنی است ســـازمان منافقین یک گروهک تروریستی ورشکسته است که مخصوصا بعد از مرگ سرکرده آنها - که ترکی فیصل در همایش پاریس از آن خبر داد و مترجم آن را ترجمه نکرد- به هم پاشیده است.

ولی چرا منافقین در این ماجرا به کار گرفته شده‌اند؟! پاسخ به این پرسش دشوار نیست. منافقین در این پروژه نقش پوششی دارند و این نقش با توجه به سابقه تروریستی، وابستگی‌های آشکار بیرونی و مخصوصا جنایات هولناکی که مرتکب شده‌اند به این سازمان داده شده است. اما، چرا؟! به این علت که؛

الف: پروژه جدید دشمن با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان مردم تعریف شده است وگرنه دشمن به خوبی می‌داند که در ایران اسلامی، توان انجام عملیات تروریســـتی نظیر آنچه تکفیری‌ها در عراق و ســـوریه انجام می‌دهند را ندارد و تاکنون همه تلاش آنان در این زمینه ناکام مانده است و منافقین با توجه به شرایط ورشکسته و فروپاشیده کنونی ضعیف‌تر و حقیرتر از آنند که برای این منظور به کار گرفته شوند، ضمن آن که چنانچه منافقین توان عملیاتی مورد اشاره را داشتند، هیچ فرصتی را برای دست زدن به جنایت از دست نمی‌دادند.

ب: دشمن برای منظور یاد شده و ایجاد رعب و وحشت نیاز به گروه و جریانی دارد که سابقه جنایات وحشیانه و هولناکی را در پرونده خود داشته باشند و منافقین در میان سایر جریانات ضد انقلاب با همین ویژگی شناخته می‌شوند و از این روی برای پروژه مورد اشاره، انتخاب شده‌اند.

و اما، نباید تصور کرد که تفاوت‌های ظاهری جریانات ضد انقلاب و دشـــمنان مردم این مرز و بوم برای همیشه مانع از ائتلاف آنها علیه ایران اسلامی خواهد بود بلکه این ائتلاف به مصداق «الکفر ملةٌ واحده - کفر یک جریان واحد است» هرگز دور از انتظار نیست. «جنگ احزاب» در صدر اسلام از این دست بود و در آن همه گروهها و جریانات ضداسلام، تمامی اختلافات خود را کنار گذاشته و علیه اسلام نوپای آن روز با هم متحد شده بودند و به همین علت آن جنگ (جنگ خندق) را «جنگ احزاب» می‌نامند. و در طول تاریخ نمونه‌های دیگری از این نوع ائتلاف را شاهد بوده‌ایم که تازه‌ترین آنها، ائتلاف همه دشمنان ریز و درشت داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران در فتنه آمریکایی- اسرائیلی ۸۸ است. در جریان فتنه ۸۸ مدعیان اصلاحات، ملی‌گراها، منافقین، بهایی‌ها، سلطنت‌طلب‌ها، مارکسیست‌ها و حتی عبدالمالک ریگی با برنامه‌ریزی مثلث آمریکا و اسرائیل و انگلیس علیه ایران اسلامی ائتلاف کرده بودند.

در جریان اخیر هم رد پای همان فرمول فتنه آمریکایی - اسرائیلی ۸۸ قابل دیدن است، اگرچه دامنه آن به وسعت فتنه ۸۸ نیست، چرا که شکست فتنه ۸۸، انبوهی از فاکتورهای اقتدار را برای ایران اسلامی رقم زد و امروزه دشمن به خوبی می‌داند که نمی‌تواند به لبخندهای دیپلماتیک دل خوش کند و برخی از وادادگی‌ها در عرصه سیاست خارجی را به حساب دست کشیدن جمهوری اسلامی ایران از اقتدار روزافزون خود بداند، در پروژه مورد اشاره احمد منتظری در نقش یک پادو و کارگزار دولت انگلیس ظاهر شده و مأموریت خود را با ارسال فایل صوتی یک‌جانبه برای بی.بی.سی آغاز کرده و با چند مصاحبه این مأموریت را پی گرفته است. پیش از این نیز، همایش پاریس منافقین با حضور ترکی‌فیصل شاهزاده سعودی و مسئول سابق استخبارات آل‌سعود، احمد غزال نخست‌وزیر پیشین الجزایر، صالح الغالب وزیر اطلاعات اردن، محمد العرابی وزیر خارجه قبلی مصر، اعظم‌الاحمد از اعضای جنبش فتح و یار نزدیک محمود عباس - بهایـــی ایرانی‌تبار و رئیس کنونی این جنبش - برنارد کوشنر، وزیرخارجه سابق فرانسه، خوزه لوئیس ساپاترو، نخست‌وزیر پیشین اسپانیا، نوت گینگریچ سخنگوی اسبق مجلس نمایندگان آمریکا، جان بولتن نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل، رودی جولیانی شهردار سابق نیویورک و... برپا شده بود. نگاهی به فهرست شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که؛

الف: تمامی آنها از دســـت‌اندرکاران اصلی سیاســـی و اطلاعاتی آمریکایی، اروپایی و عربی هستند.

ب: تمامی آنها از مقامات ســـابق اطلاعاتی و سیاسی کشورهای متبوع خود هســـتند تا حضور آنها به معنای مداخله مستقیم کشورشـــان در این همایش تروریستی تلقی نشود!

ج: حضور مقامات بلندپایه مورد اشـــاره با موقعیت ورشکسته و فروپاشیده سازمان منافقین همخوانی ندارد و به وضوح حکایت از آن دارد که منافقین فقط بهانه این همایش هستند و نه موضوع اصلی آن.

مشـــابه این حرکت در جریان فتنه آمریکایی-اسرائیلی ۸۸ هم اتفاق افتاده بود. در آن ماجرا اوباما، تونی بلر و برخی دیگر از سران آمریکا و اروپا مستقیما از فتنه‌گران حمایت کرده بودند و شکست فتنه ضربه سختی برای همه آنها بود. به همین علت در پروژه اخیر، «مسئولان سابق»! به معرکه آمده‌اند!

و بالاخره، با توجه به شـــواهد و اســـنادی که به آن اشـــاره شد حتی برای کندذهن‌ترین افراد و کســـانی که فقط از اندک عقل سیاسی و بصیرت برخوردار باشند نیز نمی‌تواند کمترین تردیدی باقی بماند که اقدام احمد منتظری چه آگاهانه باشد و چه ناآگاهانه، در همسویی با تکفیری‌ها صورت پذیرفته و در این میان او و برخی دیگر از اصحاب فتنه آمریکایی-اسرائیلی ۸۸ چه بخواهند و چه نخواهند، پادویی انگلیس و آمریکا و سعودی‌ها را به دوش می‌کشند.

حسین شریعتمداری

گزارش خبری تحلیلی کیهان

جیب مردم آمارها را تأیید می کند؟!

«ملاک تورم جیب مردم است نه گزارش مرکز آمار و بانک مرکزی» ایـــن یکی از جملات مشـــهور و تاریخی دکتر روحانی اســـت که بی‌هیچ اغراقی باعث شد وی با بیان آن - و بیان جملاتی مشابه -پیروز انتخابات ۹۲ بشود.

در آن روزگار مردم با شـــنیدن این ســـخنان، به این فکر می‌کردند رئیس جمهوری را انتخاب می‌کنند که حرف دل آنها را می‌فهمد و می‌داند کم شدن آمار تورم را اول باید جیب پدر خانواده حس کند نـــه کامپیوتـــر و برگه‌های مرکز آمـــار. این اطمینـــان روحانی را راهی پاستور کرد تا پژواک درددل‌های مردم باشد.

زمان همه چیز را ثابت می‌کند

برای راستی‌آزمایی یک ادعا راه‌های زیـــادی وجود دارد اما هریک، هزینه‌ای متناســـب با خود را دارد. گاه اثبات یک ادعا یا اثبات خلاف واقع بودن آن، به هیچ روشـــی جز اثبات در طول زمان ممکن نیســـت. یعنی آنکه باید صبری کرد تا زمان به ما نشان بدهد فلان ادعا درست بوده یا نادرست. این روش، از گران‌ترین راه‌های رسیدن به یک حقیقت است و گاه خسارات جبران‌ناپذیری با خود دارد اما ظاهرا از این درس گرانقیمت روزگار گریزی نیست!

اجسام از آنچه فکر می‌کنید به شما نزدیک‌ترند!

شاید روزی که روحانی آن سخن را به زبان می‌آورد، فکر نمی‌کرد به زودی خودش در مقابل همان پرسش و همان مسئله قرار بگیرد و ناچار باشد به هزار زبان و وصله و پینه آمار بکوشد چیزهای نبوده را بود کند و چیزهای بوده را نبوده و پنهان! اما ایـــن اتفاق افتاد و روحانی به ناچار وارد مســـیری شد که با حرف خودش مغایر بود. او در چندین و چند مرحله از گفتگوهای مختلفش با مردم، مســـائلی مرتبط با زندگـــی و روزگار و معیشت مردم را مطرح و در باره آنها آمار ارائه کرد. شاید اگر در اختیار خودش بود، ترجیح می‌داد اساسا درباره آنها سخنی نگوید و بـــه روی خودش نیاورد که در قبال آنها هم مسئول است اما مطالبات مردم و اوضاع بد معیشتی او را ناگزیر از ورود و سخن گفتن در آن حوزه‌ها کرد.

تورم تک‌رقمی!

در ماه‌هـــای اخیـــر، قیمت برخی کالاهای اساســـی و پرمصـــرف باز هم روند صعودی به خود گرفت. مرغ پیشتاز پرواز قیمت‌ها و بعد شـــکر و کالاهای شـــوینده در پی آن. اما در همین ایام، خبر مسرت‌بخشی از زبان رئیس‌جمهور می‌شنویم مبنی بر کاهش نرخ تورم تا مرحله تک‌رقمی! گرچه ممکن اســـت با الفـــاظ آکادمیک و دانشـــگاهی و با توضیحات و تســـبیلات بانکی، شرحی نوشـــت که بله نرخ تورم یک چیز است و گرانی کالاها چیـــزی دیگر و این دو لزوما با هم یکســـان نیســـتند و .... اما واقعیـــت موضوع و آنچه در افواه و افکار عمومی نقش بسته این است که مردم تورم را به عنوان قیمت کالاهای اساسی می‌شناســـند و از قضا در همه دولت‌ها بـــا همین تعریـــف عرفـــی موضوع را قضاوت می‌کرده‌انـــد. اکنون اگر دولتی با دستکاری ۲۰۰ کالای مربوط به سبد ارزیابی تورم، کالاهایی را وارد سبد کند کـــه حداقل اســـتفاده در زندگی مردم و صنایع را داشـــته باشند و در مقابل، کالاهای اساسی سهم کوچکتری از سبد را به خـــود اختصاص دهند، روی کاغذ ممکن اســـت اعداد و ارقام، به گونه‌ای ثبت و ضبط شود که خوشایند مقامات دولتی باشد اما حقیقت تغییری نمی‌کند و گرانی، زیر پوست زیبای کاهش تورم تا مرز تک‌رقمی به وضعی شتابان ادامه دارد. اکنـــون بهتر می‌توانیم حرف‌های رئیس جمهور را درک کنیم که ملاک تورم جیب مردم است نه آمار مرکز آمار و بانک مرکزی!

رفت و برگشت با رکود!

از دیگر مواردی که رئیس جمهور محترم شخصا به آن ورود کرد و اخبار متناقضی درباره آن به مردم داد، موضوع عبور از رکود بود. واقعیت این است که از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم به دلیل اعمال سیاست‌های غلط اقتصادی، بی‌سابقه‌ترین رکود تاریخ ایران بر همه بخش‌هـــای صنعتی و تولیدی کشـــور حاکم شـــده و در مدت سه سال، بخش مهم و عظیمی از بدنه تولیدی کشور، یا تعطیل شـــده یا به مرز تعطیلی رسیده است. اخبار پی در پی از تعطیلی صنایع مختلف موید این ماجراست. در چنین شرایطی، شهریور ماه ۱۳۹۳، روحانی با افتخـــار و غرور اعلام کرد که ما از رکود گذشـــتیم! بهت و حیـــرت کار آفرینان و تولیدکننـــدگان در برابـــر ایـــن ادعا وصف‌ناشـــدنی است و نمی‌توان با هیچ واژه‌ای آن را توضیح داد. معلوم نیســـت چه کســـانی چنین ســـخن نادرست و غیرواقعی را بـــه رئیس جمهور منتقل کرده بودند اما هرچه بود، این ســـخن باعث نشد که تلاشی در وزارت صنعت، معـــدن و تجـــارت یا بانـــک مرکزی یا وزارت اقتصاد و خلاصه دیگر بخش‌های اقتصادی کشور برای عبور واقعی از رکود شکل بگیرد و گره از کار مردم باز شود

نامه تاریخی وزرا

در گرماگرم ادعاها و خوش‌خیالی‌ها، ۴ وزیر مهم دولت با انتشار نامه‌ای مهم از روحانی خواستند کاری به حال اوضاع اسفبار رکود کند! آنها بی‌توجه به ادعای عبور از رکـــود صراحتا گفته بودند اگر فکری نشود، کشور با بحران روبرو شده و نمی‌توان کاری کرد. این سخن طبیعتا بر آنها که نمی‌خواستند حق را بپذیرند ســـخت بود و برخلاف انتظار عمومی، واکنش‌هایی در تقبیح انتشـــار عمومی نامه صورت گرفت و همه چیز تمام شد! در حالی که انتظار می‌رفت کارگروه‌های متعدد تشکیل و برای بحران قریب‌الوقوع چاره‌اندیشی شـــود، عملا هیچ اتفاقی نیفتاد و بعد از آن نامه بحران عمیق‌تر هم شـــد! وضع به جایی رسید که رهبر معظم انقلاب هم در ســـخنان نوروزی خـــود، به تعطیلی و معطل بودن بخش عظیمی از صنایع اشاره کردند و خواستار چاره‌اندیشی عاجل شدند ولی بازهم نه برنامه‌ای بود و نه ستاد ویژه‌ای! آش آنقدر شور شد که خود روحانی فراموش کرد دو سال قبل چه گفته و حدود یک ماه قبل، در کرمانشـــاه اعلام کرد که کشور درگیر مسئله رکود است! این سخن، یک تناقض دیگر در سخنان رئیس جمهور ثبت کرد و نشان داد خیلی از آمارهایی که به وی داده می‌شود درست نیست و نمی‌توان به آن اتکا و اعتنا کرد.

رشد پنهان، رکود شتابان!

اما یکی از مهم‌ترین موضوعات محل مناقشـــه در دولت یازدهم، بحث رشد اقتصادی است که از همان سال نخست تا کنون ادامـــه دارد. اوایل تنها تناقض آمار مرکز آمـــار و بانک مرکزی بود که دستمایه طعنه و تمسخر محافل مختلف می‌شد! کار به جایی رسیده بود که برخی مراکز دانشگاهی رســـما دانشجویان و پژوهشـــگران خود را از استفاده از آمار یکی از این مراکز به دلیل فقدان ارزش علمی و شـــائبه سفارشی‌نویســـی منع کردنـــد! اندکی بعد، آمار پنهان شـــد و کســـی از آن خبـــری نمی‌دید! یکی از مراکز مهم آماری کشور، آمار رشد سال دوم دولت را به طور کل منتشر نکرد و در پاسخ به پرسشی از چرایی این کار، تلاش برای عدم ایجاد تنش و تناقض را دلیل این اقدام عنوان کرد! این در حالی بود که مبتدی‌ترین فعالان عرصه اقتصاد می‌دانستند که موضوع هیچ علتی ندارد جز اوضاع اسفبار رشد اقتصادی!

بقیه در صفحه ۱۰

میدل ایست:

برجام به ۳۵ سال خصومت ایران و آمریکا خاتمه نداد

یـــک وبـــگاه آمریکایی در گزارشی نوشـــت: توافق هســـته‌ای موجب پایان ۳۵ سال خصومت با ایران و یافتن دوســـت در آن کشور نشده است.

وبگاه آمریکایی «میدل ایست» در مطلبـــی پیرامـــون این‌که آیا آمریـــکا با برجام بـــه اهداف خود رسیده اســـت یا خیر، نوشت: در حالی‌که آمریکا بر این باور اســـت که با توافق هســـته‌ای با تهران به موفقیت بزرگی رسیده، اما این‌که ایـــن مورد را موفقیـــت راهبردی انگاشـــت، سخت است. این توافق موجب پایان ۳۵ سال خصومت با ایران و یافتن دوست در آن کشور نشده، در عوض برجام منجر به از دســـت دادن دوستان بسیاری در منطقه برای آمریکا شده است.

بر این اســـاس، گرایش ایران نزدیکتر شدن به مسکو تا واشنگتن است. به یقین ایرانی‌ها و روس‌ها اختلافاتی دارند اما اگر واشنگتن فشاری را بر ایران به هر دلیلی وارد کند، آن‌ها می‌دانند که دوستی را در مسکو دارند. ایرانی‌ها هرگز پل بین خود و «پوتین» رئیس‌جمهور روسیه را لرزان نمی‌نمایند.

به گزارش فـــارس، این وبگاه تحلیلی نوشت: این تصویر واضح‌تر نیز می‌شود به ویژه هنگامی‌که ما شـــاهدیم آمریکا خاورمیانه را از دســـت داده و در عوض روسیه به عنوان یک قدرت میانجی‌گر مهم در منطقه پدیدار می‌شود.

اندیشـــکده «کیتـــو» نیز در تحلیلی نوشت: اگر آمریکا برجام را لغـــو و تحریم‌هـــای ضد ایرانی را از ســـر گیرد، تهران نیز تعهدی بـــه ادامه اجرا نخواهد داشـــت و احتمالا متحدان اصلی واشنگتن نیـــز بار دیگر حاضر به همراهی با تحریم‌های جدید نیستند.

این اندیشـــکده در بخشی از یادداشـــت خود در مورد ایران به واکاوی عملکرد ایـــران و آمریکا پیـــش و پس از توافق هســـته‌ای پرداخت و به دولت بعدی آمریکا توصیه کرد تعامل را در دستور کار خود در قبال ایران قرار دهد.

بر اســـاس این گزارش، دولت بعـــدی آمریـــکا علاوه بـــر لزوم برعهده‌گرفتن مســـئولیت برجام، بایـــد تصمیم گیرد کـــه در قبال عملکرد ایـــران در خاورمیانه چه واکنشی نشان دهد. ایران همچنان سیاست‌هایی را در دستور کار خود دارد که برخلاف منافع آمریکاست. حمایت از شـــیعیان، حوثی‌ها در یمـــن و همچنین پشـــتیبانی از دولت «بشار اسد» رئیس‌جمهور سوریه از آن جمله می‌باشد. شاید بتـــوان نگران‌کننده‌ترین مورد را حمایت تهران از نابودی اسرائیل از طریـــق حمایـــت از حماس و حزب‌الله- که هر دو در فهرســـت گروه‌های تروریســـتی آمریکا قرار دارند، دانست.

اندیشـــکده کیتـــو در خاتمه نوشـــت: هم اعمـــال تحریم‌های جدیـــد و هـــم تغییـــر در توافق بطور کلـــی مغایر اهداف و منافع منطقه‌ای واشـــنگتن می‌باشـــد. آمریکا نمی‌تواند قطعنامه دوطرفه مربوط به جنگ یمن یا سوریه را نقض و یا بدون مشـــارکت ایران داعش را شکست دهد. راه‌اندازی جنگ سیاسی علیه ایران می‌تواند مهر تائیـــدی بر برخی گفته‌های داخلی ایران مبنی بر تلاش آمریکا برای براندازی حکومت ایران باشد و اصلاح‌طلبان این کشـــور را نیز تضعیف نماید.

خبر ویژه

اسرائیل: داعش بی‌خطر است حزب‌الله قدرتمندتر از چند عضو ناتو است

رئیس اسبق سازمان اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی می‌گوید اسرائیل، از جانب داعش نگرانی ندارد اما حزب‌الله قوی‌تر از چند کشـــور عضو ناتو است و بودن حزب الله و اسد، ایران را قدرتمند می‌کند.

به گزارش العالم به نقل از رأی‌الیوم، عاموس یادلین (رئیس فعلی مرکز پژوهش‌های امنیت ملی اسرائیل تأکید کرد: اسرائیل درباره داعش از جانب شبه جزیره سینا و بلندی‌های جولان احساس نگرانی و خطر نمی‌کند.

وی در پایگاه مرکز پژوهش‌های امنیتی رژیم صهیونیستی نوشت: دغدغه و نگرانی اسرائیل داعش نیست بلکه ایران و حزب‌الله لبنان است، و آویگدور لیبرمن وزیر امنیت برای توجیه نگرانی از حزب‌الله می‌گوید قدرت نظامی حزب‌الله بیشتر از چند کشور عضو ناتو است.

ژنرال عاموس یادلین بی‌پرده پیشنهادهایی برای حل بحران سوریه ارائه می‌کند و بی‌هیچ ابهامی می‌گوید که بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه باید از قدرت کناره‌گیری کند.

یادلین می‌نویسد ترسیم مجدد نقشه خاورمیانه که از ۵ سال پیش آغاز شده، تأمین‌کننده منافع راهبردی اسرائیل است.

یادلین می‌افزاید: منافع اسرائیل ایجاب می‌کند که مانع قدرت گرفتن ایران و حزب‌الله در خاورمیانه جدید شود، و کناره‌گیری اسد از قدرت منافع اسرائیل را تأمین خواهد کرد زیرا افزایش نفوذ و قدرت ایران، اسد، حزب‌الله و متحدان آنها بزرگترین خطر برای امنیت اسرائیل محسوب می‌شود.

ژنرال پیشین ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد: بدون نادیده گرفتن خطر داعش باید به مسئله مقابله با محور تهران-بغداد- دمشق- بیروت به عنوان یک اولویت راهبردی نگاه کرد.

یادلین می‌افزاید: جهان باید بداند که اسرائیل در کنار کشورهای سنی ایســـتاده است و مراکز تصمیم‌گیری تل‌آویو باید طرح ائتلاف با عربستان، کشورهای خلیج‌فارس، ترکیه، اردن و مصر را آماده کنند.

زیباکلام: کارنامه دولت در سیاست داخلی از اقتصاد هم ناموفق‌تر است

صادق زیباکلام مدعی شـــد اغلب کســـانی که به روحانی رأی دادند دغدغه‌های سیاسی و فرهنگی داشتند نه اقتصادی اما روحانی هیچ کدام این دغدغه‌ها را برآورده نکرد و خسرالدنیا و الآخره شده است.

وی در مصاحبه با فارو گفت: معتقدم کارنامه آقای روحانی در حوزه‌های سیاست داخلی، اجتماعی و فرهنگی حتی از اقتصاد هم ناموفق‌تر است.

وی اظهار داشت: مشکل آقای روحانی از جایی شروع می‌شود که بخش عمده‌ای از کســـانی که به ایشان رأی دادند بیشتر دغدغه مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشـــتند و مسائل اقتصادی کمتر برای آنها مهم بود؛ در حالی که ظرف سه سال گذشته هر بار که آقای روحانی با مردم صحبت کردند عمدتاً درباره مسائل اقتصادی بوده و یک کلام درباره مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نگفتند.

وی ادامه داد: این موضوع باعث شده آقای روحانی خسرالدنیا والآخره شود. یعنی به لحاظ اقتصادی که ایشان خیلی نتوانسته برنامه‌های مثبت و موفقیت‌آمیزی داشته باشد. مهم‌ترین کاری که ایشان در حوزه اقتصادی کردند ایـــن بود که جلوی روند تخریبی کـــه در دوران آقای احمدی‌نژاد شـــکل گرفته بود را گرفتند. به طور مثال تورم وحشـــتناکی که در زمان آقای احمدی‌نژاد بود را کاهش داده یا رشـــد منفی اقتصادی را به ســـمت مثبت ســـوق داده است. اما در زمینه مسائلی که مردم متوجه آن بشوند و با گوشت و پوست و استخوان خود آن را لمس کنند همچون کاهش رکود یا بیکاری عملاً کاری نکردند و در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی که موجب رونق در کشور شود نیز موفق نبودند.

وی تصریح کرد: لذا ایشـــان در حالی دائماً از اقتصاد صحبت می‌کنند که خیلی کارنامه موفقی در این حوزه نداشـــته‌اند. این در حالی اســـت که خیلی از آن ۱۹ میلیون نفر دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی داشتند و آقای روحانی یکبار هم در این زمینه‌ها صحبت نکردند.

زیباکلام در پاسخ به این سؤال که آیا آقای روحانی در زمینه فرهنگی و اجتماعـــی موفق بوده‌اند که بخواهند دربـــاره آن صحبت کنند؟، گفت: من نمی‌گویم در این زمینه ها موفق بوده است. من معتقدم کارنامه آقای روحانی در حوزه‌های سیاست داخلی، اجتماعی و فرهنگی حتی از اقتصاد هم ناموفق‌تر اســـت؛ اما حداقل آقای روحانی می‌تواند راجع این مسائل با مردم صحبت کند.

زیباکلام در پاســـخ به این سؤال که چرا آقای روحانی نشان نمی‌دهند که مســـائل اجتماعی و فرهنگی برای ایشان اهمیت دارد؟، گفت: دلیلش این است که آقای روحانی نیم نگاهی به اصولگرایان و سبد رأی آنها دارد و نمی‌خواهد خیلی آنها را علیه خود کند و مراقب اســـت که مثلاً اگر راجع به کنسرت صحبت کند ممکن است موجب ناراحتی و عصبانیت اصولگرایان شود.

اعتماد: کارشناسان می‌گویند دولت آمارسازی می‌کند

یک روزنامه اصلاح‌طلب با اشاره به محرمانه شدن آمار در دولت یازدهم، نسبت به ادعای رشد اقتصادی ۴/۴ درصدی ابراز تردید کرد.

روزنامه اعتماد در گزارشی نوشت: روحانی در سفرش به یاسوج صحبت از رشد اقتصادی سه ماهه نخست سال کرده و این رشد را ۴/۴ درصد عنوان کرد. رشد اقتصادی در دولت روحانی به یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات اقتصادی تبدیل شـــد. زمانی که نرخ رشد اقتصادی مثبت و روندی صعودی دارد، دولتمردان نرخ رشد اقتصادی را اعلام و زمانی که روندی منفی و کند دارد از اعلام آمارها امتناع می‌کنند و نرخ‌ها را محرمانه نگه می‌دارند. محرمانه نگه داشـــتن آمارها در دولت یازدهم موضوع تازه‌ای نیست و هر بار دولت به بهانه‌ای آمارها را اعلام نمی‌کند.

اعلام آمار عملکرد سه ماهه نخست سال جاری در حالی است که بانک مرکـــزی به تازگی در اعلام نرخ‌هـــا و نماگرهای اقتصادی در برخی موارد از اعلام نرخ رشـــد اقتصادی خودداری کرده است؛ این بانک آخرین آمارهای خود مربوط به نماگرهای اقتصادی که البته برای پایان سال ۹۴ است را در آخرین روزهای تیرماه امســـال منتشـــر کرد اما در آمارها خبری از درج نرخ رشد اقتصادی نبود.

اعتماد می‌افزاید: آخرین آمار مربوط به نرخ رشد اقتصادی هم که مرکز آمار ایران اعلام کرده، مربوط به کل سال ۹۴ بوده مبنی بر اینکه این نرخ با احتساب نفت یک درصد و بدون آن ۰/۹ درصد بوده است. اما حسن روحانی، رئیس جمهوری در جمع مردم کهگیلویه و بویراحمد از رســـیدن نرخ رشد اقتصادی سه ماه اول امسال به ۴/۴ درصد خبر داد.

این روزنامه خاطرنشـــان کرد: این آمارها در حالی از سوی رئیس کابینه دولت یازدهم اعلام می‌شـــود که براســـاس نرخ اعلامی مرکز آمار مربوط به پایان سال گذشـــته، نرخ رشد اقتصادی با احتساب نفت یک درصد است و تنها در سه ماه این نرخ به یک بار بیش از ۳ درصد رشد کرده است! این در حالی است که اتفاق خاصی در اقتصاد ایران رخ نداده و بنگاه‌های اقتصادی همچنان در رکود به ســـر می‌برند، وضعیت نقدینگی تغییری نکرده و بازارها همچنان کساد است.

حال کارشناســـان اقتصادی می‌پرسند که چطور در این مدت کوتاه نرخ رشـــد اقتصادی روندی به شـــدت صعودی پیدا کرده است و به همین دلیل اســـت که همچنان نســـبت به آمارهای اعلامی از سوی مرکز تولید و انتشار آمار در کشور و عملکردشان انتقاد وجود دارد و متهم به آمارسازی می‌شوند.

اعتماد اضافه می‌کند: نکته قابل توجه آنکه رشد اقتصادی چهار درصدی مطرح شده ولی با توجه به اینکه این رشد در بخش‌هایی مانند نفت، کشاورزی و... بوده تأثیر مستقیمی بر زندگی مردم ندارد.

کارشناسان معتقدند اگر تا پایان سال ۱۳۹۵ به رشد پنج درصد برسیم با توجه به رکود حاکم در بازار ایران یک موفقیت است، ولی این رشد بیشتر در بخش کشاورزی و بنگاه‌های کوچک از طریق تأمین مالی و اصلاح گردش نقدینگـــی آنها و بخش نفت خواهد بود. اکنون صادرات نفت افزایش یافته و این افزایش در نرخ رشد اقتصادی تأثیرگذار خواهد بود. ولی مشکلی که در این بخش وجود دارد وصول پول‌های صادرات شـــده در حوزه نفت اســـت و اگر دولت بتواند این پول‌ها را دریافت کند تحقق رشـــد اقتصادی پیش‌بینی شده میسر خواهد بود.

آرمان: رشد اقتصادی ۴ درصد کجا اتفاق افتاده است؟!

یک کارشـــناس اقتصادی گفت با توجه به شرایط رکود اقتصادی، اعلام رشد اقتصادی ۴/۴ درصدی قابل تأمل است.

محمود جاســـاز در گفت‌وگو به روزنامه آرمان و درباره اعلام رشـــد ۴/۴ درصدی اقتصادی از ســـوی رئیس جمهور گفت: در شرایط رکود اقتصادی متأسفانه رشد اقتصادی یعنی همان GDP با معضلات بسیار زیادی روبه‌روست که تحقق هدف رشد اقتصادی پنج درصد در سال جاری را بسیار تردیدآمیز می‌سازد. البته در محاسبه ارزش تولید ناخالص داخلی نیز از روش‌های مختلفی اســـتفاده می‌شود که مهم‌ترین آن روش تولید یا هزینه و روش درآمدی و روش ارزش افزوده اســـت. ضمناً تنها کالاها و خدماتی که در سال جاری تولید شوند در محاسبه تولید ناخالص داخلی و یا ملی که شامل درآمدهای اتباع خارج از کشور نیز به حساب می‌آیند، منظور می‌شوند.

در تولید ناخالص ملی به روش ارزش افزوده، ارزش‌های افزوده در بخش‌های مختلف اقتصادی محاســـبه و با هم جمع می‌شوند. معمولاً در کشور ما این بخش‌ها به کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات تقسیم می‌شـــوند که البته محاسبه ۴/۴ درصدی اعلام شده در مورد رشد اقتصادی مشخص نیســـت که بیشتر مربوط به کدام بخش‌های فوق‌الذکر است.